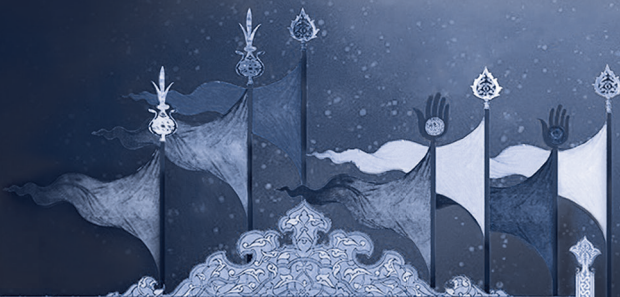


# فکر و اندیشه

بیت‌الافتخار

۶۶

در جستجوی هیأت‌تراز انقلاب اسلامی / شماره شصت و ششم / تابستان ۱۳۹۹



## هیأت، بستر تمدن‌ساز

گفتاری پیرامون هیأت به‌عنوان  
بزرگترین ظرفیت انسان‌سازی و تمدن‌سازی  
از حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌دانش



فانوس - در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی  
شماره شصت و ششم، تابستان ۱۳۹۹

هیأت، بستر تمدن ساز  
گفتاری پیرامون هیأت به عنوان بزرگترین ظرفیت انسان سازی و تمدن سازی از حجت الاسلام والمسلمین علی دانش  
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد: حسن ناصری

صفحه‌آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

قم - صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵

رایانامه: info@1542.org

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.1542.org

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لطفاً به عنوان سؤال اول و به اختصار بفرمایید شدت علاقه و ارادت عمیق جامعه ما به سیدالشهدا (علیه السلام) چه تأثیری در هویت کلی آن دارد؟

امام معصوم (علیه السلام)، عینیت همه خوبی‌هاست؛ به همین جهت هرانسانی براساس فطرت خود به او میل دارد و به هر میزانی که انسانی طاهر و پاک باشد، این میل شدیدتر است، تا جایی که جای محبت برای غیردرد دل باقی نمی‌ماند. اگر دیگران را دوست دارد هم به مناسبت محبت و شباهت و سنخیت آن‌ها به امام (علیه السلام) است. اصل و شدت این میل معیار حاکی از مراتب طهارت فرد و جامعه است؛ بنابراین اهل محبت به امام (علیه السلام) حتماً با او سنخیت دارند. از مهم‌ترین نشانه‌های سلامت ذاتی و اصیل جامعه ما، اساس این ارادت به صاحب عصمت است. اراده خدای متعال است که در میان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، سیدالشهدا (علیه السلام) را کانون و مدار عاطفه‌ها قرار داده است. محبت و ارادت به

ایشان از روشن‌ترین و فراگیرترین شاخص‌های سلامت روحی معنوی فرد و جامعه است. این‌که جامعه ما به ابراز محبت به سیدالشهدا علیه السلام بسیار اهمیت می‌دهد، از خصایص بسیار مهم ایرانی‌هاست. همین خصوصیت، جامعه ما را در طول تاریخ، در برابر انواع تهاجم‌ها و شرایط سخت، بیمه کرده است. این محبت ضامن هویت ماست. به همین دلیل هم بسیار مورد توجه دشمنان و بداندیشان جامعه و جوانان قرار دارد.

اراده خدای متعال  
است که در میان  
اهل بیت عصمت  
و طهارت علیهم السلام،  
سیدالشهدا علیه السلام را  
کانون و مدار عاطفه‌ها  
قرار داده است.



گفتید که دشمنان به ارادت جامعه به سیدالشهدا علیه السلام حساس هستند، مقداری راجع به این مطلب توضیح بدهید!

حتماً شیطان نسبت به انسان، انواع و مراتب دشمنی دارد، اما نکته این است که مکر شیطان با عظمت هدایت الهی نسبتی دارد. بالاترین کید شیطان در برابر عظمت هدایت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بوده است. این دشمنی در روز عاشورا که مرز بین حیات و ممات اسلام بود، به سنگین ترین حالت خود رسیده است.

از این جهت خون سیدالشهدا علیه السلام، ضامن بقاء و حیات و ظهور مستمر اسلام است. همین ظرفیت گسترش و تعمیق فرهنگ عاشورا است که رسیدن به نقطه اوج و کمال تاریخ بشر را تسریع می‌کند. انقلاب ما نمونه کامل این مبناست. فرهنگ عاشورا هم در حدود انقلاب کبیر اسلامی و هم در بقاء و حرکت شتابنده انقلاب، عامل اصلی است. در انقلاب

اسلامی، ظرفیت عجیب انسان‌سازی فرهنگ عاشورا را تجربه کرده‌ایم. اگر این مکتب به صورت ناب و خالص و بی‌شائبه به بشر ارائه شود، به‌طور طبیعی و فطری مورد استقبال وسیع انسان‌های آماده قرار می‌گیرد. همه معارف دین در مدرسه عاشورا، به مطلوب‌ترین شکل ممکن، به بشر عرضه می‌شود. به همین جهت فرهنگ و تفکر عاشورایی، مهم‌ترین عامل سرعت‌بخش در تحقق دولت کریمه امام عصر علیه السلام است و دقیقاً به همین جهت مهم‌ترین نقطه تمرکز برای ایجاد ناخالصی و انحراف می‌باشد.

فرهنگ عاشورا هم  
در حدود انقلاب  
کیبر اسلامی و هم در  
بقاء و حرکت شتابنده  
انقلاب، عامل اصلی  
است. در انقلاب  
اسلامی، ظرفیت  
عجیب انسان‌سازی  
فرهنگ عاشورا را  
تجربه کرده‌ایم.



لطفاً مختصراً در این مورد توضیح بدهید؛ شیاطین چگونه سبب انحراف مهم‌ترین سرمایه معنوی جامعه اسلامی یعنی عزاداری امام حسین علیه السلام می‌شوند؟

هر باطلی به نوعی خود را در لباس حق مخفی می‌کند. فطرت سالم، باطل محض را مطلقاً نمی‌پذیرد. یکی از پیچیده‌ترین و اصلی‌ترین مکرهای شیطان، استفاده از صورت حق بر علیه حقیقت حق است. همچنان که درنبرد صفین، صورت قرآن را مقابل حقیقت قرآن قرار دادند. دستگاه شیطان تلاش می‌کند از سرمایه‌های جبهه حق به سود خود بهره گیرد. به این ترتیب که صورت آن را حفظ کرده و باطن آن‌ها را تحریف می‌نماید و از فکر و عمل جامعه اسلامی مخفی می‌کند. این روایت را شنیده‌ایم که «رُبَّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنِ يَلْعَنُهُ»؛ عده‌ای با صورت قرآن مأنوس هستند، حال آنکه باطن قرآن ایشان را از وصول به

۱. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۸۴.

رحمت حق دور می‌داند و آن‌ها جز خسران و تباهی بهره‌ای از قرآن ندارند. اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان همراه یگانه و بلکه حقیقت قرآن هستند. این دو ثقل در هیچ ساحتی از هم جدا نیستند. بر همین مبنا می‌توان به روشنی گفت: عده‌ای با صورت و ظاهر و بلکه خیال خود از اهل بیت علیهم‌السلام سرگرم هستند و در واقع به بهره‌ای از آن ندارند. یا حسین می‌گویند و از مرام سیدالشهدا علیه‌السلام دور هستند و نسبتی با امام حسین علیه‌السلام ندارند. به خدای متعال پناه می‌بریم؛ خیلی لطیف است. از شمشیر تیزتر و از موباریک تراست. باید مدام خود را با شاخص‌های مکتب سیدالشهدا علیه‌السلام تطبیق کنیم. به روایات کتاب حجت در اصول کافی مراجعه کنیم. مکتب ما منطق محکمی دارد و منطق مکتب حفظ‌کننده اهل آن از خطاست. شاخص‌ها باید مورد نظر باشد.

دستگاه شیطان تلاش می‌کند از سرمایه‌های جبهه حق به سود خود بهره‌گیرد. به این ترتیب که صورت آن را حفظ کرده و باطن آن‌ها را تحریف می‌نماید و از فکر و عمل جامعه اسلامی مخفی می‌کند.



## لطفاً به بعضی از شاخص‌های مهم اشاره کنید!

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای تشخیص حق، توجه به رأس جبهه باطل است. این یک معیار قرآنی و علوی و حسینی است؛ این یک معیار فاطمی است. در منطق قرآن، باید امام کفر را در زمان خود بشناسیم. اگر گرایش‌ها و فکرها و مواضع خود را بر امام کفر این زمان عرضه کنیم، چه موضعی می‌گیرد؟ یا بی تفاوت است یا مشوق است و یا عصبانی می‌شود. تنها در صورت سوم، می‌توانیم بگوییم، در صراط مستقیم قرار داریم. در جریان عزاداری سیدالشهدا علیه السلام هم همین‌طور است. همه ما، رفتار خود را عرضه کنیم. همه هیأت‌ها، گویندگان، واعظان، مادحان، شاعران و همه خادمان دستگاه ابا عبدالله الحسین علیه السلام، برنامه‌ها و مواضع و عملکرد خود را عرضه کنیم. این را فرض کنیم. اگر رأس قطعی دشمن قرآن و اهل بیت علیهم السلام در این زمانه، نسبت به ما تفاوت بود و یا خدای ناکرده

مشوق بود، به خدا پناه می‌بریم. مطلب روشن است. جای هیچ شبهه و بهانه نیست. حق با همه پیچیدگی آشکار است. این یک شاخص بسیار مهم است. به اُحقاد بدریه و خیبریه توجه کنید. فتنه‌های آخرالزمان سنگین است. دشمن نفس آخر را می‌کشد و به همین جهت همه کید و توان خود را به میدان می‌آورد. مبادا در زمین دشمن باشیم. این ظلم به امام حسین علیه السلام است؛ «و لا یزید الظالمین الا خسارا»<sup>۱</sup>.

باید جامعه اسلامی و  
بلکه بشری شمه‌ای از  
زندگی امام حسین علیه السلام  
را قبل از ظهور بچشند.  
باید در مراتب ظهور،  
زندگی امام حسین علیه السلام  
تجربه شود.

۱. اسراء، آیه ۸۲.



به آخرالزمان و ظهور و جایگاه عزاداری سیدالشهدا علیه السلام در مقدمه‌سازی ظهور اشاره کردید؛ مختصری در این باره توضیح بدهید.

به حسب ظاهر و منطق قطعی شریعت، صاحب‌الامر علیه السلام خود را منتقم امام حسین علیه السلام معرفی می‌نماید. برای تحقق شدت ظهور، باید با آن سنخیت پیدا کرد. طالب و مطلوب باید سنخیت داشته باشند؛ «حتی تسکنه ارضک طوعاً». طوع و همراهی لازم است. ظهور مراتب دارد. در این سیرطفره نیست. براساس نگاه بسیار دقیق بعضی بزرگان، باید اهل توحید وجودی برای اهل توحید الوهی، سبقت بگیرند تا وارد عالم ظهور شویم. به بیان دیگر باید جامعه اسلامی و بلکه بشری شمه‌ای از زندگی امام حسین علیه السلام را قبل از ظهور بچشند. باید در مراتب ظهور، زندگی امام حسین علیه السلام تجربه شود. زندگی با امام حسین علیه السلام فرهنگ و نظامات خاصی دارد. این فرهنگ عمومی بشر که امروز فضا را پر

کرده، تفاوت بنیادین دارد. فرد و جامعه، سیاست، اقتصاد، ارتباطات، خانواده و همه مناسبات بشری با خو و هستی در زندگی با امام حسین علیه السلام نظام دیگری پیدا می‌کنند. این امر نه تنها دور از دسترس نیست، بلکه حتمی و لازم است. تحقق این امر، به قدر مقدور، قبل از شدت ظهور، لازمه حتمی و فراگیر آن در عصر به اصطلاح غیبت است. ما این فضا را تجربه کرده‌ایم. برای مطالعه نمونه‌های بسیار روشن و مهم آن باید شرایط سال‌های اول انقلاب را به صورت خاص مطالعه کرد. به خصوص ابعاد مختلف عالم جبهه‌ها باید مورد تأمل قرار بگیرد. نهادها و نظامات اصیل انقلابی، به خصوص در سال‌های ابتدایی انقلاب باید مورد مطالعه قرار بگیرد. علاوه بر همه این‌ها، اهل هیأت و دستگاه امام حسین علیه السلام، باید به صورت ویژه‌تر، فضای روضه‌ها و اهل روضه‌های این مقطع را خوب بشناسند. این یک امر دقیق است. وصیت‌نامه‌های شهدا را با این دید بخوانیم. این کلام امام، یک کلام الهی و حقیقی است که خون شهدای مادر امتداد خون شهدای کربلاست. بی‌اغراق باید در چهره شهدای تاریخ انقلاب صورت انصار رسول الله و امیرمؤمنان و امام مجتبی و سیدالشهدا علیهم السلام را شناخت؛ باید در حیات آن‌ها انصار فاطمه زهرا علیها السلام را شناخت. این خیلی دقیق و جدی است. این یک امر حقیقی است. همان‌طور که گفته شد باید با عالم ظهور سنخیت پیدا کنیم و این سنخیت باید فراگیر و آشنای بشر باشد. تحقق این امر با انس و زندگی در فرهنگ حسینی و بلکه با امام حسین علیه السلام در این عصر است.

این کلام امام؛  
یک کلام الهی و  
حقیقی است که  
خون شهدای مادر  
امتداد خون شهدای  
کربلاست.

این معنای جامعه اسلامی و تمدن اسلامی قبل از ظهور است. این یک فرضیه نیست. به حسب قواعد و منطق دین و اشارات روایات، یک امر محتوم است. این فرهنگ مثل نسیم بهاری و آشنای باجان انسان منتشر می‌شود و البته نفحات آن مانند شهادت شهید سلیمانی، نقاط عطف این فراگیری در بعد ظاهری و باطنی است.



حرکت به سمت  
انسان کامل، عروج  
در مراتب کمال  
است و در واقع  
رجوع و صبرورت  
به الله تبارک و تعالی  
است؛ زیرا رسالت  
انسان کامل  
دلالت به اوست.

گفتید که زندگی با امام حسین علیه السلام نظامات جدیدی را به بشر ارائه می‌دهد؛ لطفاً  
به صورت خلاصه این مطلب را توضیح دهید!

همان طور که در ابتدای کلام عرض شد، امام یکپارچه  
خوبی است. برای تبیین این حقیقت باید با معنای  
انسان کامل آشنا باشیم. متأسفانه امروز این مباحث در  
جامعه و رسانه‌ها، توسط اساتید و اهل این معانی مورد  
طرح نیست. در حالی که امام خمینی ره در آثار خود به ویژه  
کتاب شریف «**مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة**» افق  
معارف انقلاب اسلامی را در طرح چینش نظام هستی و  
انسان کامل بیان کرده‌اند. انسان کامل، مظهر تام و تمام



اسماء الله است. هر انسانی فطرتاً جو یای اوست و او آینه تمام‌نمای حق است. حرکت به سمت انسان کامل، عروج در مراتب کمال است و در واقع رجوع و صیرورت به الله تبارک و تعالی است؛ زیرا رسالت انسان کامل دلالت به اوست؛ «علیه تدلّون». از این منظر هیچ تفسیر متوقف در ماده و کثرت از انسان و نسبت بین انسان و هستی، وجود ندارد. همه ساحت‌های زندگی انسان مبتنی بر وحدت است. حتی مادی‌ترین جنبه‌های فردی و اجتماعی باید در مسیر صیرورت به این حقیقت باشد. این‌که مضمون آن را از حضرت آقا شنیده‌ایم از «بسیط الحقیقه کل اشیا و لیس بشی منها» باید نظامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همه جنبه‌های حیات انسانی طراحی شود، همین است؛ یعنی بنای جامعه در جهت سوره توحید باشد؛ یعنی شکل‌گیری همه مناسبات فردی و اجتماعی در جهت «الله احد صمد» باشد و این تنها از مسیر و باب ولایت مطلقه انسان کامل ممکن است. این مسیر هیچ نقطه مشترک بنیادین با فرهنگ غرب و مدرنیته که امروز عالم را پر کرده ندارد و وقتی عرضه می‌شود حتی برای جوامع مسلمانان که در همین هوا و فرهنگ مسموم تنفس می‌کنند مانند دین تازه است.

انسان کامل همه ظرفیت‌های عالم را از جمله ظرفیت‌های عالم ماده را، از تن انسان تا همه مناسبات مادی و اقتصادی، سیاسی و غیره و همه امکانات عالم ماده را در خدمت رشد و تعالی و فعالیت انسان‌ها تنظیم می‌کند که نتیجه آن «یدخلون فی دین الله

افواج<sup>۱</sup> است؛ بنابراین در جامعه حسینی و علوی، مناسبات مادی نیز در قالب نظامات توحیدی، دارای تقدس هستند. جامعه علوی و حسینی از همه برکات ارض و سماء در همین عالم ماده، بهره‌مند هستند. یک جامعه ثروتمند سالم با نشاط و البته نورانی و پراز معنویت که هیچ‌کدام از این‌ها در واقع از هم جدا نیستند. مسیر کمال انسان از عالم ماده است و انسان در مسیر کمال خود با همه هستی همراه است؛ بنابراین جامعه حسینی بهره‌مند از همه امکانات و قواعد مادی در مسیر تعالی معنوی و الهی است.

اگر انسانی سلامت  
خود را به خطر بیندازد  
چون محمل حرکت  
حقیقت خود را کند  
و فرسوده کرده، پس  
در واقع مانع کمال  
خود و یاد دیگران شده  
و در این باب مرتکب  
معصیت شده است.

۱. نصر، آیه ۲.





## راجع به اینکه حتی قواعد مادی در مکتب حسینی قداست دارند؛ توضیح بدهید

اشاره شد که از نگاه انسان به معنای صحیح موحد، همه آنچه در ارض و سما و شهود و غیب می باشد در خدمت صیوروت و رجوع انسان به سمت حق است؛ بنابراین از منظر قرآن و عصمت، انسان با تسلیم در برابر قواعد تکوین و تشریح و سنت های الهی، به مرتبه ای از طهارت و خلوص می رسد که همه عالم برای او مثل جسمش برای او هستند و بلکه بالاتر. از این منظر هر آنچه مانع کمال است گناه است. به عنوان نمونه از قواعد سلامت تن و جسم انسان که مرکب اولی عروج انسان است، مثال می زنیم. اگر انسانی سلامت خود را به خطر بیندازد چون محمول حرکت حقیقت خود را کند و فرسوده کرده، پس در واقع مانع کمال خود و یا دیگران شده و در این باب مرتکب معصیت شده است. به رساله عملیه در این باره مراجعه کنید. رعایت قواعد سلامت تن از این جهت قداست

دارد. روی این بیان تأکید می‌کنم همان‌طور که نماز و روزه و جهاد قداست دارد، زمینه کمال این قواعد نیز قداست دارند و فرد و جامعه حسینی با این دید، هندسه سلامت را در جامعه تنظیم و عمل می‌کند؛ این مبنا در مورد بقیه قواعد علمی و تجربی صحیح بشر نیز جاری است.

ما بر اساس این‌که  
همه این امور در  
دست امام عین  
طهارت است، به دید  
قداست به همه این  
افعال امام می‌نگریم  
و در اوج عاطفه  
اشک می‌ریزیم.

## یعنی بین علم و دین تعارض نیست؟

علم و تجربه صحیح بشر حاکی از اراده و سنت خدای متعال است. برای تبیین این منظور در حال و هوای معارف هیأت و عزاداری امام حسین علیه السلام، مثالی می‌زنم. شما به روضه‌های سیدالشهدا علیه السلام توجه کنید؛ روضه‌های شب عاشورا مانند حفر خندق پشت خیمه‌ها، تل زینبیه، چینش خیمه‌گاه، خیمه شهدا، سازمان سپاه کم‌تعداد اباعبدالله علیه السلام و فرازهای دیگر از روضه‌ها را که با حرارت بارها بر آن‌ها می‌گیریم، نگاه کنید. امامی که ملک و جن و همه قدرت‌های غیبی و باطنی عالم، به اذن الله، مطلقاً در ید قدرت اوست از پدافند غیرعامل، سازمان و سازماندهی رزمی، عملیات روانی، مهندسی جنگ و مانند این امور نیز توجه دارد و ما بر اساس این‌که همه این امور در دست امام عین طهارت است، به دید قداست به همه این افعال امام می‌نگریم و در اوج عاطفه اشک می‌ریزیم.

راه سیر ملکوتی انسان از همین عالم ماده و ملک می‌گذرد و امام، جامع همه عوالم است و دستگیری خود را از همین عالم ماده شروع می‌کند. شریعت، برای روابط همین عالم ماده نظامات مقدسی را ارائه می‌نماید. در اشتراک و اختلاف این امور در مکتب توحیدی و فرهنگ مادی تأمل کنیم. لذا تفکیک شور از شعور حسینی یک اشتباه است؛ البته اگر ناآگاهانه باشد وگرنه، صورت دیگری دارد. حرارت و شور حسینی برخاسته از مطلق شعور و عقل کل است؛ به همین جهت هیأت دارالشفای همه ابعاد حیات انسان است.

عقلانیت و فطرت و  
شریعت و معنویت  
نه تنها باهم تعارض  
و تراحم ندارند،  
بلکه به وحدت  
می‌رسند. هیأت، اگر  
به این اصل توجه  
کند، بالاترین ظرفیت  
انسان‌سازی است.



### لطفاً بر همین مبنا دارالشفای بودن جلسات روضه را نیز توضیح بدهید!

نگاه کثرت‌گرا که «جسم را از روح» و «دنیا را از آخرت» و «صورت را از معنا» و «ظاهر را از باطن» و «امام را از خلق» و «علم را از دین» و «عقل را از عشق» و «شور را از شعور» جدا می‌بیند، خواسته یا ناخواسته به سمت فهم سکولار از خود و هستی و جامعه و معارف پیش می‌رود. در نگاه توحیدی ضمن عنایت به هر حیث از انسان و هستی، اما مظهریت همه نسبت به یک حقیقت جامع مورد توجه است. بر این اساس عقلانیت و فطرت و شریعت و معنویت نه تنها باهم تعارض و تزاخم ندارند، بلکه به وحدت می‌رسند. هیأت، اگرچه این اصل توجه کند، بالاترین ظرفیت انسان‌سازی است. هیأت با این نگاه راقی می‌تواند از اصلی‌ترین وسائط نظام‌سازی جامعه‌سازی و تمدن‌سازی باشد. همه جنبه‌های فعلیت بخش انسان در آن جمع است. اگر هیأت‌ها و همه خادمان

دستگاه سیدالشهدا علیه السلام از این منظر از مائده لبریز از معارف روضه های سیدالشهدا علیه السلام بهره مند شوند، همه ظرفیت های متعالی انسانی در همه ابعاد معنوی و مادی و سلامت و امنیت و جذبه های روحانی و قدرت و نشاط و سعادت و دعا و ارتباط با غیب و دیگر جنبه ها در فرد و جامعه فعال می شود، هیأت به این معنای جامع دارالشفاست است، چراکه کانون تطبیق با انسان کامل و سنت های الهی است.

در همین شرایط  
پیش آمده به خاطر  
بیماری، برای همه  
روشن شد آن طیف  
از جامعه که بیشتر  
از همه ما در فضای  
فکری و عملی  
فرهنگ حسینی،  
زندگی می کنند، در  
عمومی ترین سطح  
جامعه و مردم، در  
جنبه های مختلف  
الگو و نمونه بودند.

## لطفاً کمی مصداقی‌تر این ظرفیت‌های هیأت و روضه را بیان کنید!

به این منظور به افراد گروه‌ها و جمعیت‌های پیش‌رو و پرشتاب در جامعه اسلامی نگاه کنید. ما در متن انقلاب اسلامی معجزه کشیدن نمی‌از کوثر زندگی با سیدالشهدا علیه‌السلام را چشیده‌ایم. سرعت تولید علم و اکتشافات و اختراعات علوم و صنایع درجه یک دنیا، قدرت عظیم سازماندهی، خدمت‌رسانی، کارهای عام‌المنفعه و خیلی دیگر از عرصه‌هایی که نیاز به عزم و فکر و تلاش عظیم داشته‌اند؛ شهدای شاخص عرصه‌های هنری، علمی، دفاع از حرم، جهاد سازندگی و دفاع از سلامت، دفاع از امنیت گروه‌های جهادی صنعت‌گرتولیدکننده و غیره را ببینیم. این روشن است که این فراگیری و شتاب و حرکت، در نسبت و مقایسه، بیشتر از آن نهادها و شخصیت‌های عاشورایی است. در همین شرایط پیش‌آمده به خاطر بیماری، برای همه روشن شد آن طیف از جامعه که بیشتر

از همه ما در فضای فکری و عملی فرهنگ حسینی، زندگی می‌کنند، در عمومی‌ترین سطح جامعه و مردم، در جنبه‌های مختلف الگو و نمونه بودند.

ما هنوز خیلی تا  
استفاده از ظرفیت  
جامع مکتب و فرهنگ  
حسینی فاصله داریم.





اتفاقاً یکی از نکاتی که خوب است به آن پردازیم و همین مسئله است. عملکرد اجتماعی به خصوص هیأت‌های حسینی در این شرایط چگونه تحلیل می‌شود؟ ما هنوز خیلی تا استفاده از ظرفیت جامع مکتب و فرهنگ حسینی فاصله داریم. حرکت کلی و هویت عمومی جامعه ما در همین راستا است و همین عامل اساسی پیش‌روندگی جامعه اسلامی و انقلاب ما و مانع اصلی حرکت‌های دشمن است؛ اما در حال طیف‌های حساس‌تر به این فرهنگ و مؤثرتر در محیط پیرامونی و اجتماعی در این جریان اثربخش تر هستند. این ویروس حقیر اما خطرناک به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم نتیجه عملکرد دشمنان اصلی بشریت است. این فساد است که حاصل نگاه ظلمانی انسان و مدرن است. حالا یا عمداً و در راستای منافع شیاطین امروز به صورت آگاهانه طراحی شده. که همه شنیده‌ایم که بعضی از متخصصین چنین می‌گویند. و یا به صورت

غیرمستقیم اثر دست بردن در طبیعت و نظم عالیّه آن است که آن هم نتیجه فلسفه مدرنیته در نسبت بین انسان و هستی است. در هر حال اگر گناهی هم هست در این سطح است. این بیماری آثار مختلفی از جنبه های جسمانی و روانی و اجتماعی و غیره داشته است. در کشور ما علاوه بر همه این ها، آخرین تلاش های سنگین دشمن هم مزید بر علت بوده است. این رو اضافه کنیم به ضعف های جدی مدیریتی در حوزه اجرایی که امیدواریم با تجربه و آگاهی جامعه، سکوی شتاب در مراحل بعدی انقلاب باشد. حال در این شرایط پیچیده باید عملکرد مؤمنانه جامعه و به خصوص هیأت های حسینی را دید و تحلیل کرد. در شرایطی که عده بسیاری از روشنفکر نمایان پُررو با قضاوت ها و مواضع شتاب زده ماهیت و داده خود را نشان دادند و عده ای دیگر عافیت طلبانه، به سرعت خود را از صحنه خارج کردند و بعضی هم دچار ترس و تردید شدند، معیار ایمانی و انقلابی جامعه ما بیش از گذشته معلوم شد. حضور ایمانی و اعتقادی در خط مقدم سلامت و درمان و پشتیبانی مادی و معنوی و لجستیکی از این خط مقدم، بهداشت عمومی و کمک های اعجاب انگیز مؤمنانه و تحقیقات علمی برای کشف دارو و واکسن از این موارد است. برگزاری مجالس عمومی و راز و نیاز و روضه بانظمی شگفت آور که در بیش تر موارد بالاتر از سطح به اصطلاح پروتکل های سلامت بود. خلاقیت در برگزاری سالم و ایمن مراسم شب های قدر و ایام شهادت و به خصوص حرکت خالصانه عقلانی و پراز ابتکار

باید گفت قسمت  
مهم بلکه مهم ترین  
بخش فرهنگ سازی  
عمومی برای مقابله با  
این بیماری در مساجد  
و هیأت ها و مجالس  
مذهبی ارائه شد.

هیأت‌های انقلابی در آستانه محرم از نمونه‌های درخشان در تاریخ تشیع خواهد بود. حتماً چنین است که باید گفت قسمت مهم بلکه مهم‌ترین بخش فرهنگ‌سازی عمومی برای مقابله با این بیماری در مساجد و هیأت‌ها و مجالس مذهبی ارائه شد. این یک امر قطعی است؛ باید روی آن مطالعه و تبیین شود.



## زمینه اصلی وجود این ظرفیت در جامعه ایمانی و هیأتی ما چیست؟

گفته شد که مکتب و مرام حسینی، فطری و عقلانی و الهی است و جامع همه سرمایه‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و دنیوی و اخروی انسان است. بر این اساس هیأت‌های اصیل ما تشکیلاتی سازمان‌یافته، باتجربه و با ظرفیت‌های بی‌نظیر هستند. بهره‌مندی از نیروهای مخلص و متخصص و معتقد و جهادی، خیرخواهی و از خودگذشتگی غیر خودخواهانه، ایمان روشن به امدادهای غیبی، وحدت در کارهای جمعی، انگیزه برای ابتکار و خلاقیت، استحکام معنوی، روحیه مهربان و صمیمی، سرسختی در برابر محدودیت‌ها و موانع، تجربه طولانی و غنی تاریخ تشیع به خصوص در عهد انقلاب اسلامی و جنگ، سازماندهی و تشکیلات قوام‌یافته، معارف بلند روضه‌ها، الگوهای محبوب و جامع همه این‌ها یعنی امر ولایت الهی که خدای متعال، آن را در این

هیأت‌های اصیل  
ما تشکیلاتی  
سازمان‌یافته، باتجربه  
و با ظرفیت‌های  
بی‌نظیر هستیم.

عصر به ما هدیه داده است، از جمله سرمایه‌های عظیم و بی‌نظیر هیأت‌هاست. برای این اساس ما هنوز از ظرفیت‌های هیأت به‌طور کامل استفاده نکرده‌ایم. گاهی اوقات عادت‌های بی‌اساس و محدودیت‌های شخصی، فرصت‌های جمعی را از ما می‌گیرد و با این شرایط محرم امسال روند جدیدی خواهد داشت. هرمانعی خیر از استعداد ورود در یک مرتبه بالاتر را دارد. هرچه مانع عظیم‌تر باشد، امکان و استعداد کمال بیشتر است. شرایط دشمنی شیاطین در فضای موجود خیر از یک بشارت بسیار مهم و تاریخی دارد. شاید امسال از نقاط عطف خلوص و تمحیص مهم‌ترین ظرفیت حرکت اسلام و انقلاب باشد. این یک امتحان بزرگ برای همه ماست.



در همین مسئله  
بیماری، بیان  
حکیمانه آقا که  
فداست قواعد  
سلامت را مقدمه  
بهره‌گیری از معنویت  
جلسات روضه تبیین  
کردند، بسیار قابل تأمل  
است. عقلای عالم  
قضاوت خواهند کرد.

### چه نکاتی را در این شرایط پیشنهاد می‌کنید؟

بهترین نکته، توجه به عمق هدایت‌گری ولایت است. این را مبنایی و بنیادی بدانیم. همان‌طور که بیان شد انسان کامل در همه ظرفیت‌های مادی و معنوی برای آبادی دنیا و آخرت انسان تصرف دارد. انقلاب ما بر این پایه استوار است. فقاقت به معنای گسترده یعنی فقه اکبر، شناخت ظرفیت‌های شریعت و عصمت به این وسعت است. اگر این فقاقت با حکمت به معنای قرآن همراه شود، خیرکثیر است. اگرچه ولایت فقیه تمسک به ولایت کلیه الهی در عصر غیبت بوده و این سلسله بدون انقطاع و انفصام، هدایت امت را بر اساس منهاج انسان ۲۵۰ ساله بر عهده داشته، اما به اراده الهی و قابلیت موجود در جامعه ما در این عصر از بالاترین مراتب این ولایت در شرایط غیبت بهره‌مند بوده‌ایم. گویا خدای متعال کامل‌ترین را برای این مقطع نهایی و حساس ذخیره کرده

بود. ما در این عصر از خیر کثیر متنعم هستیم. خدا کند که بدانیم و قدر بدانیم. در همین مسئله بیماری، بیان حکیمانه آقا که قداست قواعد سلامت را مقدمه بهره‌گیری از معنویت جلسات روزه تبیین کردند، بسیار قابل تأمل است. عقلای عالم قضاوت خواهند کرد. دعای عرفه سیدالشهدا علیه السلام را بخوانیم و تأمل کنیم. این‌گونه غیب و شهود به هم متصل و بلکه یگانه هستند. ابوتراب همان اباعبدالله علیه السلام است. بالاترین مدارج انسانی که عبودیت حق است از همین عالم خاکی آغاز می‌شود و اگر کسی این جسم خاکی را در تعادل و تعامل با سنت‌های الهی بسازد، راه حرکت به سمت کمالات روحانی را برای خود هموار می‌بیند. قواعد عالم ماده برای این اساس مقدس هستند. این حقیقت اشیا را دیدن و همان حکمت است؛ در مقابل، اگر کسی در خاک بماند و تحت هدایت مظهر اسم ربّ - که برای بشر پدر حقیقی است - قرار نگیرد در ظلمت خاک متوقف و بلکه ساقط می‌شود. همین موضع آقا، به‌تنهایی برای اهل بصیرت، حجت بالغه در حقانیت حرکت انقلاب است. این‌گونه انقلاب در امتداد عاشورا است و همین ظرفیت اصلی حرکت بی‌توقف و پرشتاب آن است. این‌گونه است که انقلاب موانع خود را در خود هضم می‌کند، با این دید هیچ مانعی یارای مقابله با جامعهٔ حسینی ما را ندارد.

یکی از مهم ترین و بلکه اهم امتحانات، در مورد نسبت ما با سیدالشهدا (علیه السلام) خواهد بود. انقلاب ما رجوع به عاشورا در این عصررا شتاب بخشید. این رجوع در مراتب خود در حال گسترش است.

## با این نگاه چه تأثیرات جدی در شرایط موجود مشاهده خواهد شد؟

در هر صورت غربال اتفاق می افتد. ما مدام در معرض امتحان هستیم؛ اما در فضای میدانی، حتماً در چند سال آینده به یک الگوی جدید و بسیار مؤثرتر، می رسیم. همه بشر و به خصوص جامعه اسلامی و ولایتی باید در معرض انتخاب قرار بگیرد. جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح است. حرکت انسان در این جریان مبتنی بر رشد انتخاب های اوست. سخت ترین انتخاب ها در نزدیک ترین صورت های منتسب به حق، اتفاق می افتد. یکی از مهم ترین و بلکه اهم امتحانات، در مورد نسبت ما با سیدالشهدا (علیه السلام)، خواهد بود. انقلاب ما رجوع به عاشورا در این عصررا شتاب بخشید. این رجوع در مراتب خود در حال گسترش است. همان طور که عرض شد این امر برای دستگاه شیاطین حیاتی است. بالاترین اغوای شیطان در اینجاست. عقلانیت و معنویت دوره جدا از



هم نیستند. به الگوهای عینی تربیت یافته در مکتب ناب و اصیل سیدالشهدا علیه السلام نگاه کنیم. شهید سلیمانی را مورد استنباط قرار بدهیم. از منظر او به مسائل نگاه کنیم. این راه را روشن می‌کند و به مجهولات ما پاسخ می‌دهد. حتماً به الگوهای جدید و قوی‌تری می‌رسیم. نسل جدید هیأت‌ها در همه ارکان خود از تجربیات و نمونه‌های بسیار خوبی بهره‌مند است؛ اما در حال ریزش‌ها و رویش‌هایی داریم. این طبیعی است.



در پایان، از نظر محتوایی چه منابعی را برای مطالعه در این شرایط پیشنهاد می‌کنید؟



کتاب «هم‌زمان حسین (علیه السلام)» و «دو امام مجاهد» ما را به سمت یک نگاه اجتهادی به معارف و سیره اهل بیت و به خصوص امام حسین (علیه السلام) نزدیک می‌کند. این دو کتاب مبتنی بر طرح منظر صحیح شیعه در اتباع از امامت معصوم است؛ بنابراین این دو کتاب حتی صرف تحلیل تاریخی نیستند. به نوعی فلسفه تاریخی شیعه را ترسیم می‌کنند. کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» نیز بر همین اساس جمع‌آوری شده اما به این علت که هندسه کتاب، بازطراحی شده، بیشتر تداعی‌کننده یک سیر تاریخی به همراه یک نگاه تحلیلی

اراده خدای متعال  
است که در میان  
اهل بیت عصمت  
و طهارت (علیهم السلام)،  
سیدالشهدا (علیه السلام) را  
کانون و مدار عاطفه‌ها  
قرار داده است.

است. در حالی که به نظر می‌رسد اساس این کتاب مبتنی بر ارائه نگاه کلان و منظر توحیدی و دارای امتداد شیعه به تاریخ بشر و به خصوص بعثت خاتم است. در این نگاه امامت و زعامت توحیدی به صورت فعال و نه منفعل پیش‌برنده تاریخ به سمت نقطه موعود است. به همین جهت به نظر می‌رسد دو کتاب «هم‌زمان حسین (علیه السلام)» و «دو امام مجاهد» به این جهت که در آن‌ها سیر مباحث و هندسه محتوا نیز محفوظ است، بیشتر به این مقصود نزدیک است و کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» مؤید آن‌هاست. البته تفصیل این مطلب مجال دیگری می‌طلبد.



## هیأت تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأت‌الگویی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر<sup>علیه السلام</sup> باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

\*\*\*

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

که به دنبال ارتباط بیشتر  
مخبران سیدالشهدا<sup>علیهم‌السلام</sup> است...  
قرار نیست مشعر تولید کند.  
قرار است مشعر آیین تولیدات  
و فعالیت‌های شما باشد.  
اینجا، جای آرم هیأت شماست  
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...



۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱  
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲  
www.۱۵۴۲.org  
info@۱۵۴۲.org

جامعه ایمانی مشعر،  
محفلی است برای گردآمدن  
هیأت‌های کشور.  
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،  
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و  
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.  
اجتماعی ایمانی و توحیدی است